

نوع مقاله: ترویجی

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر رهبر معظم انقلاب

محمدتقی امیرپور / کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

mohammadtagiamirpor@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-2932-4191<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

چکیده

دو مکتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی از مکاتب معروف روابط بین‌الملل و عرصه دیپلماسی هستند. با توجه به اهمیت دیپلماسی و تأمین منافع و امنیت ملی در کنار مصالح اسلامی و انقلابی، این سؤال مطرح می‌شود که چه رویکردی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری قرار دارد؟ روش پژوهش استفاده از روش توصیفی - تحلیلی است. هدف اصلی این پژوهش ارائه نگاه جامع و کامل نسبت به دیپلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به دو مکتب مهم آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. نوآوری و یافته مهم این مقاله این است که بررسی سایر ویژگی‌های مکاتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، حاکی از عدم انطباق کامل سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با مکاتب مزبور است؛ لذا تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، الگویی منحصربه‌فرد را می‌طلبد. از این رو، با طرح آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و انقلابی سعی در شناخت آن داریم.

کلیدواژه‌ها: آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، روابط بین‌الملل، دیپلماسی، سیاست خارجی.

مقدمه

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی^ع هم اهمیت داشت؛ که ایشان سعی در امتزاج میان اهداف آرمانی و منافع ملی به‌عنوان دو عنصر تناقض‌نما داشته‌اند. الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» را می‌توان نوعی نهادگرایی دانست که ضمن تأکید بر صلح‌گرایی نهادینه، بهره‌گیری از قدرت در راستای منافع بشریت را مورد تأکید قرار می‌دهد و از این رهگذر بر ابعاد از واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی صحنه می‌گذارد (دهشیری، ۱۳۷۸).

ضرورت و اهمیت مسئله در این است که رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که نقش بسزایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در اندیشه مقام معظم رهبری به‌عنوان فیلسوف و انسانی وارسته و حکیمی متعهد که رهبری جامعه سیاسی را به عهده دارد، ما را ترغیب کرد زوایای مختلف این رویکرد را بررسی کنیم و این یافته علمی را در دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پررونق جلوه دهیم که با توجه به ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی و در نظر گرفتن مصالح اسلامی و انقلابی از یک طرف و منافع و امنیت ملی از طرف دیگر، به اهمیت این رویکرد در سیاست خارجی و تعامل جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه و بین‌المللی پی می‌بریم.

«آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که نشئت گرفته از ایدئولوژی اسلامی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران است، محتوا و سمت‌وسوی سیاست خارجی آن را تعیین می‌کند و آن را از دیگر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی و از اصول و مبانی حاکم بر بسیاری از کشورهای جهان متمایز می‌سازد که بررسی مکاتب «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی» هم حاکی از عدم انطباق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با این مکاتب دارد، که با طرح رویکرد آرمان‌گرایی انقلابی و واقع‌گرایی انقلابی سعی در شناخت این عدم انطباق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های موجود جهانی داریم.

واقع‌گرایی یا رئالیسم، کسب نفع شخصی و تلاش برای کسب قدرت و ازدیاد آن را واقعیت‌های جهان سیاست می‌دانند و معتقدند که کشورها همواره درصدد گسترش منفعت خود و اعمال و افزایش قدرت و منافع ملی خود هستند. در مقابل این اندیشه، اندیشه آرمان‌گرایی یا ایده‌آلیسم وجود دارد که بشر را ذاتاً خوب و خیرخواه فرض می‌کند. آرمان‌گرایان، امور و روابط بین‌الملل را بر مبنای

آرمان‌گرایی، خودش واقعیت‌ها را در جامعه می‌سازد. برای نمونه، یک مجموعه آرمان‌خواه و دارای هدف‌های بلند می‌تواند واقعیت‌ها را طبق آرمان خود شکل دهد و به وجود آورد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «آرمان‌ها را کنار بگذاریم، به بهانه واقع‌بینی؟ این کمال غفلت است. آرمان‌گرایی به‌وجودآورنده واقعیت‌های شیرین و مطلوب است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴). در جای دیگر ایشان با اشاره به سیره امام خمینی^ع اشاره دارند: «درسی که انقلاب داد و امام بزرگوار باقی گذاشت، این است که در این حرکت سی و سه ساله، آرمان‌ها و آرزوهای عظیمی که اسلام آنها را به ما القا می‌کند و تعلیم می‌دهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیت‌های موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت. این کمک کرد به اینکه این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی با واقع‌بینی. یک حرفی را بر سر زبان‌ها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الآن هم در گوشه و کنار شنیده می‌شود که ملاحظه واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی نمی‌سازد! آرمان‌گرایی را با رویگرایی اشتباه گرفتند. آنچه که ما می‌خواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمان‌ها و آرزوهای ملت ایران، هیچ‌گونه تنافی و تعارضی ندارد. ذکر آرمان‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها و بدون ملاحظه سازوکارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمان‌ها، خیال‌پردازی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳).

جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی در انقلاب ۱۳۵۷، با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با مردود اعلام کردن نظام غربی که مبتنی بر سلطه‌جویی و قدرت‌طلبی است، اصول و اهدافی را در سیاست خارجی خود تعیین و تعقیب کرد که غالباً برگرفته از اندیشه‌های سیاسی در فقه شیعه و ارکان سیاسی غالب در دوران حکومت صفوی بود. هرچند اصول و چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس تا امروز، دستخوش تغییرات عمده‌ای نشده؛ با این وجود، شاخص جدید «واقع‌نگری» به ماهیت اسلامی و انقلابی آن افزوده شده و اهداف و آرمان‌های آن را تکامل بخشیده است که در نتیجه سیاست خارجی آن را به سمت «انقلابی‌گری واقع‌بینانه» به تعبیری «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» سوق داده است (jamaran.news).

اخلاق، عدالت، اعتماد و تعهد در نظر می‌گیرند. به اعتقاد آنان، سیاست باید مطابق با آرمان‌ها یا اصول متعالی عمل کند. برخی، آرمان‌گرایی را مقابل واقع‌بینی می‌بینند؛ در نظر اینها واقع‌بینی نقطه مقابل آرمان‌گرایی است.

بررسی ویژگی‌های مکاتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، حاکی از عدم انطباق کامل سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با مکاتب مزبور است، لذا تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران الگویی منحصر به فرد را می‌طلبد. از این‌رو، با طرح دو رویکرد واقع‌گرایی انقلابی و آرمان‌گرایی انقلابی سعی در شناخت آن می‌نماییم که نوآوری تحقیق حاضر به‌شمار می‌آید.

سؤال اصلی مقاله عبارت است از: چستی نظریه «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر رهبر معظم انقلاب می‌باشد و سؤال‌های فرعی تحقیق هم شامل چستی دو رویکرد و مبانی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی و عناصر و ملزومات مربوط به آنها و چگونگی رویارویی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران هستند.

۱. رویکرد و مبانی آرمان‌گرایی

آرمان‌گرایی به‌عنوان یک مکتب فکری، ریشه در خوش‌بینی عصر روشنگری قرن هیجدهم، لیبرالیسم قرن نوزدهم و ایدئالیسم ویلسونی قرن بیستم دارد. این نظریه، ریشه جنگ و خشونت را در ساخت جامعه داخلی و واحد سیاسی به‌نام دولت می‌داند. بنابراین جنگ معلول وضع خاص جامعه داخلی و واحد سیاسی است و اگر این وضع خاص متحول و اصلاح شود، جنگ نیز از میان خواهد رفت. از دیدگاه آرمان‌گرایان، انسان به‌طور ذاتی دارای سرشت خوب و خیرخواه است و در صورت فراهم شدن محیط مناسب و مساعد، جنگ و خشونت را پیشه نخواهد کرد.

به‌طور عمده، در روابط بین‌الملل دو مکتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی وجود دارد که بر حسب طرز تلقی از سرشت انسان، اوضاع داخلی (ملی) و بین‌المللی از یکدیگر متمایز می‌شوند: «مکتبی که جنگ را زاینده و معلول وضع خاص ساخت اجتماعی داخلی و بین‌المللی می‌داند و عقیده دارد که اگر این وضع خاص ساخت اجتماعی، (چه داخلی و چه خارجی) از بین برود و یا نواقص آن برطرف گردد، جنگ نیز از بین خواهد رفت و اختلاف و ستیز شدید

نظامی در جهان به وقوع نخواهد پیوست. طرفداران این مکتب را «ایده‌آلیست» نامیده‌اند؛ زیرا آنها برای سیاست و اجتماع ایده‌های عمومی و غیرقابل تحصیل و ایده‌آلی فرض و تعیین کرده‌اند که می‌باید به دست آید. در مقابل این مکتب، رئالیست‌ها فرار گرفته‌اند.

پیروان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی بر این عقیده‌اند که لازمه تأمین امنیت و صلح دائمی و پایدار این است که هر واحد سیاسی ضمن پایبندی کامل به سازمان‌ها، نهادها، حقوق و تکالیف بین‌المللی، لازم است که امنیت خود را نیز جدی از امنیت سایر دولت‌ها نداند. بنابراین لازم است امنیت کشورها را امنیت خود، و تجاوز به حریم امنیتی دیگر کشورها را مایه سلب امنیت خود بداند. برای آرمان‌گرایان عدالت، اخلاق، تبعیت از قوانین وضع‌شده و حقوق بشر در هر شرایطی پسندیده است و سیاست و قدرت را یک انحراف از اصول والای انسانی و اخلاقی تلقی می‌کنند. آرمان‌گرایان کاربرد زور را نامشروع و مذموم تلقی می‌کنند و به‌کارگیری خشونت و جنگ را حربه حکام فاقد فضیلت می‌دانند (کاظمی، ۱۳۶۷).

رویکرد آرمان‌گرایانه سیاست خارجی، مبتنی بر اصول و معیارهای انتزاعی سنتی است که هنجارها، قواعد و موازین حقوقی و ارزش‌های اخلاقی را دربر می‌گیرد و جهت‌گیری تجویزی و سیاست‌گذارانه دارد. در این نظریه بر قدرت اخلاقی و نرم‌افزاری در مقابل قدرت فیزیکی و سخت‌افزاری تأکید می‌شود.

اگرچه آنچه که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی آرمان‌گرایی خوانده می‌شود، با مکتب فکری آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل انطباق و همخوانی ندارد؛ ولی از این نظریه می‌توان برای تحلیل رفتار سیاست خارجی ایران در بعضی از دوره‌ها و حوزه‌های موضوعی کمک گرفت.

۲. رویکرد و مبانی واقع‌گرایی

نظریه واقع‌گرایی یک نظریه فراگیر و کلان روابط بین‌الملل است که درصدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی براساس ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورهاست. به‌عبارت دیگر، یک رویکرد «از داخل به خارج» یا «تصویر دوم» است که برای فهم و توضیح روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها بر خصوصیات ملی کشورها و انسان‌ها تأکید می‌کند. برخلاف آرمان‌گرایی که بر جهان آن‌گونه که باید باشد تأکید می‌ورزد،

شده است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۵). بدین ترتیب واقع‌گرایان در نظام بین‌الملل آنارشیستیک تکیه بر قدرت نظامی را بهترین وسیله برای بقای دولت ملی قلمداد می‌کنند.

سیاست خارجی رئالیستی بر آن است که بقا به‌عنوان اصلی‌ترین انگیزه رفتار بین‌المللی محسوب می‌شود. کشورهایی که در شرایط انزوا قرار می‌گیرند، از موضوع حداکثرسازی قدرت ملی خود غافل می‌شوند و به این ترتیب، می‌توان نشانه‌هایی از افول سیاسی، اقتصادی و استراتژیک را در بنیان‌های قدرت ملی آنان ملاحظه کرد. اگر انگیزه بقا وجود نداشته باشد، هیچ بازیگری برای افزایش قدرت ملی خود جهت مقابله با تهدیدات تلاش نمی‌کند. زمانی که تهدیدات امنیت ملی کشورها افزایش می‌یابد، زمینه برای حداکثرسازی قدرت جهت حفظ امنیت و بقای سیاسی فراهم می‌شود. از سوی دیگر، باید عوامل دیگری را در تنظیم رفتار سیاست خارجی کشورها مورد توجه قرار داد. «انگیزه‌های نهفته» در رفتار نخبگان سیاسی و همچنین «ترجیحات ایدئولوژیک» از جمله عوامل تأثیرگذار بر تعیین رفتار سیاست خارجی کشورهاست. اما این مؤلفه‌ها نیز در راستای حداکثرسازی قدرت ملی و همچنین تأمین بقای سیاسی کشورها به کار گرفته می‌شوند. به‌این ترتیب، نظریه‌پردازان سیاست خارجی، هدف اصلی هر کشوری را تأمین منافع ملی و حداکثرسازی قدرت ملی برای تحقق بقا می‌دانند. این امر نشان می‌دهد که امنیت و بقا اصلی‌ترین رهاورد عمومی سیاست خارجی محسوب می‌شود. آنچه که زمینه‌های لازم را برای بقا و امنیت فراهم آورد، نمادی از سیاست خارجی موفقیت‌آمیز تلقی می‌شود (متقی و پوستین چی، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

۳. مبانی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

الگوی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل از آن لحاظ که تأثیر مستقیمی بر اهداف و منافع از یک سو، و شیوه‌ها، ابزارها و روش‌ها از سوی دیگر می‌گذارد، به نوعی تجلی بخش «نظریه وحدت در عین کثرت» است؛ یعنی روش‌های متعدد در خدمت ارزشی واحد قرار می‌گیرند و اخلاق‌گرایی و قانون‌گرایی در راستای قدرت و منافع ملی واقع می‌شوند. این الگو که بر انگاره‌هایی از قبیل مصلحت‌اندیشی، امتزاج حقیقت و واقعیت، تلفیق ژئواستراتژی و ایدئواستراتژی، پیوند سیاست داخلی و سیاست

واقع‌گرایی، مدعی است، که جهان را آن‌گونه که هست، توضیح می‌دهد. واقع‌گرایان سیاست بین‌الملل را به‌صورت حوزه‌ای تعریف می‌کنند که قانون و اخلاق در آن نقشی ندارد و مبارزه برای کسب قدرت بر مناسبات کشورها حاکم است. بنابراین واقع‌گرایان بر رفتار کشورها و راهبردهایی که آنها برای تأمین بقا و افزایش منافع خود به کار می‌برند، متمرکز می‌شوند.

در برداشت سیاستمداران واقع‌گرا از سیاست، قدرت ملی و منافع ملی دو اصل مهم و حیاتی قلمداد می‌شوند. در این تفکر بازیگر خردمند کسی است که به‌طور مداوم درصدد دستیابی و ارتقای منافع مادی و معنوی خود باشد. به این معنا که حفاظت از تمامیت ارضی، امکانات و منابع درآمدزا و دفاع از ارزش‌ها و باورهای عمومی از اهداف استراتژیک هر واحد سیاسی به‌شمار می‌رود. در اینجا قدرت و منافع در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند و برای سیاستمداران واقع‌گرا، اعمال رفتارهای سیاسی، متأثر از شناخت واقع‌بینانه آنها از جامعه بین‌المللی است (کاظمی، ۱۳۷۶).

هانس. جی. مورگنتا از طرفداران سرسخت رئالیسم، بر این نظر است که پی‌گیری مبانی اخلاق عمومی و مفاهیم انتزاعی در رفتار دولت‌ها کاری بیهوده است و اساساً اخلاق‌گرایی و باید و نبایدهای اخلاقی در روابط بین دولت‌ها جایگاهی ندارد (مورگنتا، ۱۳۷۴، ص ۱۹). واقع‌گرایان ضمن آنکه انسان را موجودی بدسرشت می‌دانند، تنازع را جز لاینفک روابط بین‌الملل قلمداد می‌کنند. از دیدگاه واقع‌گرایان، دولت‌های ملی که طی نظم وستفالی (معاهده وستفالی ۱۶۴۸) استقرار یافته‌اند، به‌عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل تلقی می‌شوند. آنان به‌جای ایده‌آل‌ها به قدرت و منافع ملی کشور معتقد بودند. درواقع، رئالیسم یا واقع‌گرایی از نوعی شک محافظه‌کارانه علمی نسبت به اصول ایده‌آلیسم و همچنین از آموخته‌های نامطلوب تاریخی ناشی می‌شود» (سیف‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۳۴).

واقع‌گرایان، نظام بین‌الملل را آنارشیستیک (هرج و مرج) می‌دانند و معتقدند در شرایط هرج و مرج نمی‌توان به بقای کشور مطمئن بود. رئالیست‌ها به‌درستی فرض می‌کنند که همه کشورها به‌دنبال تداوم بقای خود هستند. به‌نظر می‌رسد دولت‌هایی که در عرصه قدرت جایگاه برتری دارند، نسبت به بقیه دولت‌هایی که قدرت کمتری دارند، شانس بیشتری برای بقا دارند. قدرت در واژگان رئالیسم بسیار مهم است و به‌صورت سنتی، در معنای نظامی - استراتژیک تعریف

به‌طوری که مجموع عناصر و دقایق آرمان‌گرایی و واقع‌بینی تشکیل‌دهنده دقایق گفتمان آرمان‌گرایی واقع‌بین خواهند بود که در یک زنجیره هم‌عرضی، قوام‌بخش و هویت‌دهنده این گفتمان بوده و قابل تفکیک و تجزیه نیستند.

۵. عناصر قوام‌بخش آرمان‌گرایی

مهم‌ترین عناصر و دقایق آرمان‌گرایی را به این صورت می‌توان صورت‌بندی کرد:

۵-۱. جهان‌گرایی اسلامی

که متضمن سه عنصر گفتمانی و اقدام عملی در سیاست خارجی است. نخست تلاش برای برقراری جامعه جهانی اسلامی به‌عنوان یک آرمان راهبردی سیاست خارجی است. ماهیت راهبردی این آرمان، بیانگر آن است که براساس واقعیت‌های موجود داخلی و بین‌المللی تعقیب می‌شود و در درازمدت تحقق می‌یابد. دوم، شالوده‌شکنی نظم بین‌المللی مستقر از طریق غیرطبیعی کردن و مشروعیت‌زدایی از آن جهت استقرار نظم جهانی مطلوب؛ سوم، ترسیم و تبیین نظم جهانی مطلوب جمهوری اسلامی بر مبنای رسالت اسلامی، انقلابی و ایرانی آن.

۵-۲. سلطه‌ستیزی

سلطه‌ستیزی دومین عنصر آرمان‌گرایی است که برخاسته از آرمان‌های اسلامی و ایرانی است. سلطه‌ستیزی دربرگیرنده نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استعمار و استکبارستیزی و استضعاف‌زدایی در عرصه بین‌المللی است. براینده این سه مؤلفه گفتمانی در سیاست خارجی، رهایی‌بخشی است.

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در فرهنگ انقلاب اسلامی همان‌گونه که استکبار منفی است؛ استضعاف هم منفی است؛ بنابراین در سیاست خارجی هر دو باید مورد توجه قرار گیرند. براینده این سه (سلطه‌ستیزی - استکبارستیزی - استضعاف‌زدایی) در رهایی‌بخشی نمود پیدا می‌کند؛ که یکی از مهم‌ترین آرمان‌هایی است که در بعد آرمان‌گرایی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌یابد. رهایی‌بخشی به معنای تلاش برای رهایی جمهوری اسلامی ایران و ملل دیگر از استکبار و استعمار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲ ب).

خارجی، مذاکره و اقناع در عین انذار و ارعاب، شیوه‌های مسالمت‌آمیز و قهرآمیز، ابزارهای جاذبه‌ای و دافعه‌ای، قدرت معنوی و مادی و ذهنی و عینی، اهداف ملی و فراملی، نهادگرایی و قاعده‌تدریج استوار است، می‌تواند از سه منظر بینش فکری و اصول نظری، نحوه نگرش به ساختار نظام بین‌الملل و دیدگاه آن راجع به کارکرد دولت - ملت در سیاست بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مکتب «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» بر تمایز میان گزینه و فطرت در ذات بشر، سیاست به‌عنوان هنر ممکن کردن ضروریات و برهم‌کنشی دولت - ملت و نظام بین‌الملل تأکید دارد. الگوی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه بر ساختار همکاری‌جویانه روابط بین‌الملل اذعان دارد و معتقد است احترام متقابل و همکاری میان دولت‌ها، راهکار مناسبی جهت تأمین صلح و امنیت جهانی است. دیدگاه «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» ضمن توجه به ماهیت بینایی (صلح‌جویانه توأم با کاربرد مشروع زور) نظام بین‌الملل، بر سیاست‌های همکاری‌جویانه به‌عنوان راه‌حلی میان اتحاد و مقابله تأکید دارد (دهشیری، ۱۳۷۸).

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، از ظرفیت‌ها و فرصت‌های محیط جهانی به‌عنوان راه حرکت جهت بسط گفتمان موردنظر خود بهره‌برداری می‌کند. آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، یعنی در سازمان ملل نظریه عدالت بین‌المللی را مطرح کردن و هم‌زمان با آن، ساختار و سازوکارهای حاکم بر سازمان ملل و شورای امنیت را با انتقادهای جدی مواجه ساختن است؛ ابتکاری که توسط رؤسای سابق جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی‌های سالیانه در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد صورت گرفته است.

بنابراین در مدل آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، نه قهر و نفی رابطه با نهادها، تکالیف و حقوق بین‌الملل متصور است و نه تسلیم و مقهور برخی معاهدات بین‌المللی و احیاناً قطعنامه‌های احتمالی شورای امنیت که با منافع ملی کشور در تضاد است. براساس این پارادایم دولت‌ها، از همه توان و ظرفیت خود و با رویکردی آگاهانه و عالمانه و از موضعی منتقدانه نسبت به نظام بین‌الملل ضمن بازبانی موقعیت ممتاز خود، درصدد دفاع از حقوق مشروع و قانونی ملت برمی‌آید (غضنفری، ۱۳۸۶).

۴. عناصر و ملزومات آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

عناصر و دقایق گفتمان واقع‌گرایی آرمان‌خواه را می‌توان براساس دو جز این گفتمان یعنی آرمان‌گرایی و واقع‌بینی تنظیم و تبیین کرد.

۵-۳. حق طلبی و عدالت خواهی

حق طلبی و عدالت خواهی یکی از مهم ترین آرمان های اسلامی و تاریخی ایرانیان است. حق طلبی و عدالت خواهی خود متضمن و مستلزم ظلم ستیزی است که از جمله مطالبات تاریخی ایرانیان است. قاعدتاً در دولت نهم و دهم این عنصر بیشتر مورد تأکید بوده است؛ به گونه ای که می توان گفتن دولت نهم و دهم را گفتن اصولگرایی عدالت محور نامید. به این معنا، بیشترین تأکید و تمرکز در کانون سیاست خارجی و دیپلماسی بر عدالت طلبی و حق طلبی است. عدالت طلبی، یکی از آرمان هایی است که انتظار می رود در دیپلماسی مطلوب جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید و توجه قرار گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲ ب).

۵-۴. استقلال طلبی

استقلال طلبی، چهارمین عنصر آرمان گرایی است که بر حسب آزادی عمل و حفظ هویت و منزلت ملی تعریف می شود. روابط ناعادلانه قدرت های بزرگ استعماری با ایران قبل از انقلاب اسلامی و دخالت های فراگیر آنان در امور کشور از یک سو، و ارزش کانونی عدالت در دین اسلام، عدالت طلبی و استقلال خواهی را در بطن و متن گفتن انقلاب اسلامی قرار می دهد. به گونه ای که این دو ارزش از اهداف راهبردی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران هستند.

۵-۷. صلح طلبی

در چارچوب گفتن آرمان گرایی اسلامی، صلح فراتر از صلح سلبی و حداقلی به معنای نبود جنگ و خشونت عربان در صحنه بین المللی تعریف می شود. به گونه ای که علاوه بر آن، شامل صلح ایجابی و مثبت به معنای نفی و الغای خشونت ساختاری پنهان در نظام بین الملل نیز می شود که بسیار فراتر از ریشه کنی جنگ متعارف در روابط بین الملل می رود.

۵-۸. عزت طلبی

عزت نفس که در ادبیات روابط بین الملل از آن به شرف و افتخار نیز یاد می شود، یکی از مهم ترین اهداف و انگیزه های سیاست خارجی است که به مثابه برآیند و عصاره پنج عنصر فوق است. از این رو، حفظ شرف و عزت ملی می تواند و باید یکی از آرمان ها و اهداف سیاست خارجی باشد که بر پایه واقع نگری پی گیری و تحقق می یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲ ب).

۵-۹. مهدویت

از مصداق های بارز جامعه آرمانی اسلام، جامعه مهدوی است؛ جامعه ای که از دیدگاه مقام معظم رهبری، بر چند پایه اساسی بنا می شود:

۱. نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه های ظلم و طغیان؛ یعنی جامعه ای که در زمان ولی عصر^ع ساخته می شود، باید ظلم و جور نباشد... نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی...؛

۲. خصوصیت جامعه ایده آل مهدوی بالا رفتن سطح اندیشه انسان است؛ هم اندیشه علمی و هم اندیشه اسلامی انسان؛ یعنی در دوران ولی عصر^ع شما باید نشانی از جهل و بی سوادی و فقر فرهنگی و فکری در عالم پیدا نکنید...؛

۳. در جامعه مهدوی، همه نیروهای طبیعت و همه نیروهای انسانی استخراج می شود و چیزی در بطن زمین نمی ماند که بشر از آن استفاده نکند...؛

۴. این است که محور در زمان امام زمان^ع محور، فضیلت و اخلاق است. هر کس که دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است، او مقدم تر و پیش تر است؛

۵. در جامعه آرمانی اسلام... دنیا به یک کمال نسبی رسیده...، جامعه مهدوی را ما یک جامعه انسانی عادلانه صد درصد می دانیم (مهاجرنیا، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷-۱۱۸).

۵-۱۰. تمدن اسلامی ایرانی

مقام معظم رهبری یکی از عناصر اصلی آرمان گرایی را ایجاد تمدن اسلامی می دانند. از دیدگاه ایشان، تمدن اسلامی یعنی فضایی که انسان در آن از لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت مندی داشته باشد، انسان باشد عزیز، دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، و دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی یعنی این؛ و هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب شرط نهایی تحقق یافتن یک تمدن عظیم تاریخی، ایمان است. ایشان می فرمایند: «در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام^ص و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکال به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه گذاری

با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «الذی یملا الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً». انتظار این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کرده و قسط را در همه جا مستقر کند. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

کنند. آنها هم در برابر قدرت‌های بزرگ زمان خود، علی‌الظاهر کوچک بودند؛ اما ایمان به خدا به آنها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. ما چرا نتوانیم؟ «ولا تهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین». شرطش ایمان است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۱۲/۰۳).

ایشان معتقدند ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» خواهد توانست مسیر رسیدن به قله تمدن اسلامی را برای امت اسلامی هموار کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

۶. عناصر واقع‌نگری

واقع‌بینی (واقع‌نگری)، به‌مثابه دومین جز گفتمان آرمان‌گرایی واقع‌نگر، دربرگیرنده عناصری مانند: ظهور منجی، مصلحت‌گرایی، امنیت‌طلبی و اقتدارافزایی، خردگرایی، حزم‌اندیشی و مشکل‌گشایی است.

۶-۱. ظهور منجی

مقام معظم رهبری، انتظار ظهور مهدی موعود را در اعتقادات شیعیان، نه یک آرزو و مسئله ذهنی محض، که یک واقعیت خواندند و خاطر نشان کردند: دلایل فراوان، روشن و راسخ که بسیاری از اهل سنت نیز آنها را قبول دارند، این اعتقاد عمیق شیعیان را تصدیق می‌کند که حجت تابناک حق یک انسان واقعی است که با عمر طولانی که خدا به ایشان داده، در میان مردم زندگی و دردها و مشکلات آنان را حس می‌کند و همه مسائل مربوط به زندگی نورانی ایشان روشن و معلوم است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

رهبر معظم انقلاب یکی از برجسته‌ترین ویژگی منتظران ظهور را انتظار استقرار عدالت می‌داند و می‌فرماید:

برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. به‌طور

مثال در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن

بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان

مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم این است: «این المهدی

لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامه الامت و العوج، این

المرتجی لأزاله الجور و العدوان»؛ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن

نجات‌بخش بیاید و ستم را ریشه‌کن کند، بنای ظلم را - که در

تاریخ بشر، از زمان‌های گذشته همواره وجود داشته و امروز هم

۶-۲. مصلحت‌گرایی

مصلحت‌گرایی به معنای تصمیم‌گیری و اقدام براساس مصالح اسلامی و منافع ملی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی است؛ به‌گونه‌ای که مصلحت اسلامی و منفعت ملی دو روی یک سکه بوده و در طول هم، تعریف و تعقیب می‌شوند. البته اولویت‌بندی این دو دسته از مصالح و منافع خود یکی از الزامات واقع‌بینی است که در چارچوب خردگرایی تحقق می‌یابد.

۶-۳. امنیت‌طلبی و اقتدارافزایی

مصلحت‌گرایی در سیاست خارجی تعیین بخش عنصر دیگری در گفتمان واقع‌گرایی است که به صورت امنیت‌طلبی و اقتدارافزایی تعریف و محقق می‌شود. تأمین امنیت پیش شرط تحقق هر آرمان و ارزشی در سیاست خارجی است. از این رو، حفظ موجودیت و بقای کشور بر هر ارزش و مصلحت دیگری اولویت و اهمیت دارد. برای بقا و امنیت ملی نیز کسب قدرت و اقتدار ملی اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم است.

۶-۴. عقل‌گرایی و خرداندیشی

عقل‌گرایی و عقلانیت عنصر کانونی واقع‌بینی است؛ چون کلیه آرمان‌ها و عناصر دیگر آن بر پایه عقلانیت استوار بوده و به وسیله آن تحقق می‌یابد. عقل شامل هر نوع عقل نظری و عقل عملی می‌شود که معطوف به آرمان و ابزار است. عقل نظری به معنای شناخت واقعیت متضمن موقعیت‌شناسی، زمان‌شناسی و فرصت‌شناسی است. موقعیت‌شناسی خود دربرگیرنده شناخت

ایران با مکاتب مزبور است؛ لذا تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران الگویی منحصر به فرد را می‌طلبد. از این رو، با طرح دو رویکرد واقع‌گرایی انقلابی و آرمان‌گرایی انقلابی سعی در شناخت آن داریم (یعقوبی، ۱۳۸۷، ص ۲۷-۲۹).

چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که هیچ‌یک از دو گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی محض به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و قرین موفقیت نیست؛ زیرا آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی لازم و ملزوم یکدیگرند و دو جزء لاینفک‌اند. گفتمان «واقع‌گرایی آرمان‌خواه» هستند. به‌گونه‌ای که به لحاظ نظری و عملی قابل تجزیه و تفکیک نیستند. از این رو، سیاست خارجی در عمل در صورتی که این دو جز گفتمانی را با هم به اجرا بگذارد، موفق و مطلوب خواهد بود. چون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک سو، مبتنی بر دین مبین اسلام است که دین آرمان‌گرا و در عین حال واقع بین است؛ از سوی دیگر، جمهوری اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی است که گفتمانش، همان‌گونه که مقام معظم رهبری تصریح می‌کند، «آرمان‌گرایی واقع‌نگر» است و گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید در چارچوب آن تعریف و الگوسازی شود. بر این اساس در دیپلماسی باید در عین توجه و تمرکز بر آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی را نیز مدنظر قرار داد. به‌گونه‌ای که آرمان‌ها و ارزش‌ها باعث ندیدن واقعیت‌ها و واقعیت‌ها نیز موجب غفلت از آرمان‌ها نگردد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲الف).

سیاست‌گذاران نظام جمهوری اسلامی ایران با دو رویکرد واقع‌گرایی انقلابی و آرمان‌گرایی انقلابی به تنظیم و تدوین سیاست خارجی و دیپلماسی پرداخته‌اند. رویکرد واقع‌گرایی انقلابی با تأکید بر موانع و امکانات در عرصه داخلی و بین‌المللی تحقق مواضع انقلابی خود را دنبال می‌کند، در حالی که در رویکرد آرمان‌گرایی انقلابی برای تحقق اهداف و مقاصد انقلاب به امکانات محدود و موانع پیش‌روی در دو سطح داخلی و بین‌المللی توجه کمتری می‌شود. به بیان دیگر، نحوه اولویت‌بندی سلسله‌مراتب اهداف ملی نزد طرفداران دو رویکرد مزبور موجب تمایز آنها از یکدیگر شده است. علی‌رغم تفاوت در تاکتیک‌ها، حامیان هر دو رویکرد واقع‌گرایی انقلابی و آرمان‌گرایی انقلابی هدف تغییر وضع موجود در عرصه نظام بین‌الملل که جزو اهداف استراتژیک و اصولی انقلاب اسلامی در راستای حکومت

مقدورات و محظورات ملی از یک سو، و شناخت نظام بین‌الملل و محیط خارجی از سوی دیگر است. عقل عملی به معنای شناخت بایدها و نبایدهای رفتاری نیز متضمن اخلاق‌گرایی، قانون‌گرایی و نهادگرایی در روابط بین‌الملل است. به طوری که در سیاست خارجی باید ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و نهادهای تکوین‌دهنده و تنظیم‌کننده روابط بین‌الملل را شناخت و بر پایه شناخت این واقعیت‌ها، آرمان‌ها را پی‌گیری کرد؛ چون ندیدن این بایدها و نبایدهای رفتاری به معنای نبودن آنها نیست.

۶.۵. حزم‌اندیشی و مسئله‌شناسی

حزم‌اندیشی و مشکل‌گشایی خود شرط عقل است. حزم و احتیاط در دیپلماسی یک ضرورت است؛ چون سیاست خارجی با حیات و ممانت کشور ارتباط دارد و جای آزمون و خطا نیست. به طوری که یک تصمیم و اقدام غیرعقلانی مبنی بر بی‌احتیاطی، همان‌گونه که تاریخ گواهی می‌دهد، می‌تواند موجودیت یک کشور را به خطر اندازد. بر این اساس، تلاش برای حل مسائل و معضلات سیاست خارجی که تحقق اهداف و آرمان‌های کشور و ملت را با مانع مواجه می‌سازد، یک ضرورت و اولویت سیاست خارجی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲ب).

۷. نگاهی به رویارویی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در

دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

مکتب واقع‌گرایی از آن جهت قابل انطباق با سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نیست که برخلاف تکیه واقع‌گرایی بر دولت ملی، تعریف مبهم دولت ملی در قانون اساسی و توجه به مصالح امت اسلامی در قالب رهبری جهان اسلام در راستای تحقق حکومت واحد جهانی، با عناصر ذاتی مکتب واقع‌گرایی در تضاد است. «ضمن اینکه واقع‌گرایی تکیه خاصی بر قدرت نظامی دارد و نسبت به عناصر غیرمادی قدرت توجه لازم مبذول نمی‌دارد، سیاست خارجی ایران متکی بر قدرت نظامی نیست و بر جنبه فرهنگی و امنیتی سیاست خارجی تأکید دارد. همچنین «مکتب آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل، که نگرش حقوقی و تشکیلاتی قوی دارد، با سیاست خارجی آرمان‌گرایانه جمهوری اسلامی به‌طور کامل متفاوت است». بررسی سایر ویژگی‌های مکاتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی نیز حاکی از عدم انطباق کامل سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی

واحد جهانی است، را دنبال می‌کنند (یعقوبی، ۱۳۸۷، ص ۳۰).
 آرمان‌گرایان انقلابی و واقع‌گرایان انقلابی برای تحقق اهداف اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل دیدگاه‌های گوناگونی دارند. «ایستارهای آنها در برابر نظام بین‌الملل موجود با هم متفاوت است. آرمان‌گرایان طرفدار انقلاب جهانی و خواهان ایجاد نظم جهانی اسلامی در همین حال حاضر هستند. از سوی دیگر، واقع‌گرایان هم که آرزوی ایجاد یک نظام جهانی اسلامی را در دل دارند می‌خواهند با واقعیت‌های نظام بین‌المللی موجود کنار آیند» (رمضانی، ۱۳۸۰، ص ۶۸).
 ایران همان‌طور که از آغاز انقلاب دارای آرمان‌گرایان انقلابی خاص خود بوده، واقع‌گرایان انقلابی نیز داشته است. این دو گروه معتقدند که اسلام، واحد اولیه و اساسی وفاداری مردم در جامعه سیاسی ایران است و باید هم باشد؛ ولی درباره وزن نسبی «ایرانیت» و «اسلامیت» در هویت، ایرانیان اختلاف‌نظر شدیدی با هم دارند. همچنین ایستار آنها در برابر نظام بین‌المللی موجود متفاوت با هم است. آرمان‌گرایان، هوادار انقلاب جهانی و خواهان ایجاد نظم جهانی اسلام در همین حال حاضر هستند از سوی دیگر، واقع‌گرایان هم آرزوی ایجاد یک نظام جهانی اسلام را در دل دارند می‌خواهند با واقعیت‌های نظام بین‌المللی موجود کنار آیند. از همین‌رو، برخلاف آرمان‌گرایان، سمت‌گیری سیاست خارجی‌شان سازش‌جویانه است (همان).

۸. نگاهی به آرمان‌گرایی واقع‌بینانه از منظر رهبر معظم انقلاب

در روزهای آغازین رهبری، *آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای* به مسئولان درجه اول وزارت امور خارجه فرمودند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید براساس «عزت» و «حکمت» و «مصلحت» بنا شود که مجموع این سه اصل به‌عنوان راهنمای دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران یعنی بنای آن در چارچوب آرمان‌گرایی واقع‌بینانه است.
 به اعتقاد ایشان، باید حکمت نقشی اساسی داشته باشد تا اهداف عالی و اصول ارزشمند حکومت اسلامی را محقق سازد. این اصلی است که قانون اساسی ایران نیز بدان تصریح دارد. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «حکمت به مفهوم عمل بر پایه حساب‌های منطقی و تحکیم بنیان‌های محکم و پربار و خودداری از شتاب‌زدگی و جهل و خودبینی است». ایشان افزودند که جمهوری اسلامی در ایران

اصول‌گراست و در سخنرانی دیگر خود به تبیین و توضیح این اندیشه پرداختند و بیان کردند: نباید جنبش و تلاش اسلامی و دیپلماسی ما با الگوهای اسلامی‌مان در تعارض باشد (اجتهاد و نوآوری از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۶۳).

حکمت از نگاه مقام معظم رهبری، همان رسیدن به حقیقت از طریق معرفت و منطقی است و این امر جزء از طریق پیوند کامل میان عدل و ارزش‌های معنوی امکان‌پذیر نخواهد بود. ایشان می‌فرماید: «اسلامی که مورد تأیید ماست و همگان را بدان تشویق می‌کنیم بر سه اصل استوار است: ارزش‌های روحی، منطقی و عدالت. این اسلام به‌طور کلی با اسلام تجزری و لیبرالی متفاوت است» (همان، ص ۳۶۴-۳۶۵).

براساس این نوع جهان‌بینی، ایران باید در راستای تحقق منافع ملی و تنها در چارچوب اصول و ارزش‌های خود تلاش کند؛ همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب این چارچوب را ترسیم می‌کند. ایشان تأکید دارند که منافع ملی ایران نمی‌تواند براساس نژاد، زبان، رنگ پوست و یا قومیت بنا شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

در ارتباطات بین‌المللی، منشأ کرامت و شرف یا عزت، جزء دوم از اصول سه‌گانه بنیادی از نظر مقام معظم رهبری به‌شمار می‌آید. ایشان معتقدند که کرامت و شرافت نیز بر نژاد یا قومیت بنا نشده و می‌فرمایند: «اینها از جمله اموری هستند که همگی برای کشیدن حصار و مرز پیرامون خود از آن استفاده می‌کنند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

اصل سوم اصل «مصلحت» از منظر مقام معظم رهبری است. عملکرد جمهوری اسلامی براساس این اصل نباید با اصول اخلاقی در تعارض باشد. اصل مصلحت نباید با اصل شرافت و حکمت در تعارض باشد. به عبارت دیگر، نباید برخورد با تصمیمات جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسائل منطقه‌ای یا بین‌المللی از طریق برتری دادن مبدأ مصلحت بر دو مبدأ دیگر باشد؛ بلکه مصلحت به معنای انتخاب بهترین راه به‌سوی حکمت و شرافت است. براساس سخن رهبر انقلاب، «در برخی از مراحل تغییر و تحول، ممکن است به اهداف تاکتیکی با برخورداری از ادوات تکنیکی مختلف توجه شود؛ اما روح و ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی در هیچ وضعیتی تغییر نکرده و نخواهد کرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵). بنابراین ایران به‌رغم تمامی سختی‌هایی که با آن روبه‌روست، تغییر موضع نداده و تنها حامی حقوق فلسطینیان بوده

راهبردهای عمومی و کلی را دربر می‌گیرند و بالاخره واقعیت‌هاست، که آرمان‌گرایی با دیدن واقعیت‌ها، به راهبردها و اهداف منجر می‌شوند. یکی از ویژگی‌های مقام معظم رهبری در واکنش به تحولات منطقه‌ای و جهانی، نگاه واقع‌گرایانه ایشان به مسائل بین‌المللی است که یکی از این مصادیق حمله آمریکا به عراق برای آزادسازی کویت بود؛ که در آن هنگام برخی از سیاسیون چپ کشور پیشنهاد همراهی با صدام علیه آمریکا می‌دادند. در چنین شرایطی رهبر معظم انقلاب با درک صحیح تحولات منطقه و با معیار اصول‌گرایی، موضع بی‌طرفی ایران را رسماً اعلام کرد. البته این بی‌طرفی به معنای سکوت در برابر جنایات ناشی از جنگ نبود؛ بلکه در عین حال، بی‌طرفی انتقادی را برگزید. بعدها اسنادی که منتشر شد نشان داد که این جنگ سناریوی تعریف‌شده آمریکا برای اهداف چندمنظوره بود.

نمونه دیگر، حادثه ۱۱ سپتامبر بود. اکنون که مواضع اتخاذشده از سوی گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف در آن زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد کاملاً نشان می‌دهد که رویکرد رهبر معظم انقلاب چقدر مدبرانه بوده است. جریان‌های سیاسی به اصطلاح اصلاح طلب اصرار داشتند که ایران از این فرصت استفاده کند و وارد گفت‌وگو با آمریکا شده و در ائتلاف بزرگ ضدتروریستی شرکت کند. در حالی که رهبر معظم انقلاب از ظاهر این تحول عبور کرده و درونی‌ترین انگیزه این تحولات و روندهای آن را هدف قرار داده بودند و بر این اساس سکان سیاست خارجی کشور را به سمت عدم ائتلاف و مخالفت با سیاست‌های تهاجمی پس از ۱۱ سپتامبر هدایت کردند. اکنون همه افکار عمومی جهان و حتی در داخل آمریکا نیز به رویکردی که ایران انتخاب کرده بود، رسیدند و این نشان دهنده تدبیر و آینده‌نگری در حوزه دیپلماسی است.

در همین راستا اقدام آمریکا علیه افغانستان و سپس علیه صدام نیز مصداق دیگری از رویکرد واقع‌بینانه مقام معظم رهبری به سیاست خارجی است که جالب توجه است. بسیاری در داخل به این اقدامات مثبت می‌نگریستند و برخی از اصلاح‌طلبان افراطی نیز پا را فراتر گذاشته و جنگ جدید آمریکا را جنگ تمییز یاد می‌کردند. باین حال در جریان جنگ آمریکا در خاورمیانه سه پیشنهاد مورد توجه بود: ۱. تعقیب استراتژی انزوایابی؛ ۲. مدل الحاق و پیوستن به ائتلاف بزرگ؛ ۳. رویکرد بی‌طرفی مثبت و فعال. در شرایط چنین گفتمان‌هایی، رهبر معظم انقلاب راهبرد دولاپه‌ای را اتخاذ کردند که از یک سو، به لحاظ

است و اسرائیل را رژیم سیاسی‌ای می‌داند که باید از میان برداشته شود و بازگشت به وطن را حق تمامی فلسطینیان می‌شمرد. مفهوم مصلحتی که از واژه صلاح گرفته شده است، بدان معناست که انتخاب بهترین راه ملازم حکمت و فضیلت است (اجتهاد و نوآوری از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۶۷-۳۶۸).

دیدگاه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در مورد همه انقلاب‌ها و اتفاقاتی که در خاورمیانه و شمال آفریقا رخ می‌دهد، در حقیقت بر این نوع جهان‌بینی مبتنی است. ایشان در مراسم یادبود امام خمینی^ع بیان کردند که ایران از تمامی انقلاب‌های منطقه‌ای که بر سه اصل «اسلام»، «حمایت مردمی» و «استقلال از نفوذ بیگانگان» بنا شده باشد حمایت می‌کند؛ همچنین فرمودند که جمهوری اسلامی از هر اقدامی که مورد تأیید آمریکا و اسرائیل است، نمی‌تواند حمایت کند؛ چراکه این دو نظام سلطه به نفع ملت‌های منطقه عمل نمی‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۰۳/۱۴).

این دیدگاه از دایره نژاد و مذهب و قومیت پا را فراتر می‌نهد. مقام معظم رهبری در عمل با حمایت از مردم آفریقای جنوبی، بوسنی، فلسطین، پناهندگان کرد عراقی و لبنانیایی که دارای نژادها و ادیان متفاوت هستند، این دیدگاه خود را اظهار کردند (اجتهاد و نوآوری از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۶۸).

عملکرد مقام معظم رهبری، از سال ۱۳۶۷ تاکنون روشن می‌سازد که رهبری وی آمیزه پیچیده‌ای از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان در سال ۱۳۹۲، در رابطه با «آرمانخواهی واقع‌بینانه» فرمودند:

یک آرمان‌خواه که واقعیت‌ها را هم می‌شناسد، هرگز نباید در هیچ شرایطی احساس انفعال و بن‌بست کند. یعنی نباید از آرمان‌خواهی دست برداشت؛ نه در هنگام پیروزی‌های شیرین، نه در هنگام هزیمت‌های تلخ... هرگز در آرمان‌خواهی صحیح و واقع‌بینانه بن‌بستی وجود ندارد. وقتی انسان واقعیت‌ها را ملاحظه کند، هیچ چیز به نظرش غیرقابل پیش‌بینی نمی‌آید» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۹).

مقام معظم رهبری وظیفه دولت و مسئولان جمهوری اسلامی را سه مولفه بزرگ برای تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌ها می‌داند که توجه دقیق به این مؤلفه‌ها لازمه ایجاد تمدن اسلامی است؛ که شامل آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی، راه‌های رسیدن به اهداف، که

آرمان‌ها و ارزش‌ها باعث ندیدن واقعیت‌ها و واقعیت‌ها نیز موجب غفلت از آرمان‌ها نگردد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲ الف).

نتیجه‌گیری

مکتب آرمان‌گرایی، ریشه جنگ و خشونت را در ساخت جامعه داخلی و واحد سیاسی به نام دولت می‌داند و چنانچه این وضع اصلاح شود جنگ هم از میان خواهد رفت. درحالی‌که پیروان آرمان‌گرایی، لازمه تأمین امنیت و صلح دائمی و پایدار را پای‌بندی کامل به سازمان‌ها و نهادها، حقوق و تکالیف بین‌المللی می‌دانند. در مکتب واقع‌گرایی، قانون و اخلاق جایگاهی ندارد و مبارزه برای کسب قدرت در مناسبات کشورها در این نظریه به‌عنوان ارزش محسوب می‌شود. در برداشت سیاستمداران واقع‌گرا از سیاست، قدرت ملی و منافع ملی اصل مهم و حیاتی هستند. در رویارویی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دقت در این نکته لازم است که بررسی ویژگی‌های مکاتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی حاکی از عدم انطباق کامل سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با مکاتب مزبور دارد و بنابراین تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، الگویی منحصر به فرد را می‌طلبد که آرمان‌گرایی واقع‌بینانه مبین آن است. به‌نحوی که رهبر معظم انقلاب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مجموعه‌ای از نگاه آرمان‌گرایی واقع‌بینانه می‌دانند که آرمان‌ها، راه‌های رسیدن به اهداف و راهبردهای عمومی و کلی را دربر می‌گیرند و واقعیت‌ها هم در مسیر تحقق آرمان‌ها لحاظ می‌شوند. براین اساس، سیاست خارجی باید در عین توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی را هم مدنظر قرار داد.

دیپلماتیک بی‌طرف مثبت و فعال اتخاذ شد و از سوی دیگر، راهبرد فرصت‌سازی برای ارتقای منافع ملی مورد توجه قرار گرفت؛ که دقیقاً بیانگر واکنش‌ها و رویکردهای واقع‌گرایانه ایشان نسبت به تحولات منطقه‌ای و جهانی بوده است (ذوعلم، ۱۳۸۵، ص ۹).

همچنین رهبر انقلاب در مورد حرکت آرمانی در دیپلماسی فرمودند: ... دیپلماسی را براین اساس بنا کنیم؛ که خوشبختانه همین جور است. حرکت ما در جبهه ظریف، خطیر و بسیار مؤثر دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به آرمان‌ها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پای‌بند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب می‌مانیم؛ هرگز... در این دوره‌های مختلف، کسانی در عرصه دولتی، در بخش‌هایی از دیپلماسی و غیردیپلماسی و حتی در بخش‌هایی از روحانیت خودمان بوده‌اند، که در این مسائل تردید پیدا کردند در اینکه پای‌بندی‌های به ارزش‌ها چقدر اجازه می‌دهد که ما در زمینه دیپلماسی موفق باشیم! ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پای‌بندی ما به ارزش‌هایمان بیشتر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۸۸-۸۹).

بنابراین چرخه گفتمانی در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که هیچ‌یک از دو گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی محض به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و قرین موفقیت نیست؛ زیرا آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی لازم و ملزوم یکدیگرند و دو جزء لایتجزای گفتمان واحد «واقع‌گرایی آرمان‌خواه» هستند به‌گونه‌ای که به لحاظ نظری و عملی قابل تجزیه و تفکیک نیستند. از این رو، سیاست خارجی در عمل در صورتی که این دو جزء گفتمانی را با هم به اجرا بگذارد، موفق و مطلوب خواهد بود؛ چون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک سو، مبتنی بر دین مبین اسلام است که دین آرمان‌گرا و در عین حال واقع‌بین است؛ و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی است که گفتمانش، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تصریح می‌کند: «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» است که گفتمان دیپلماسی جمهوری اسلامی در روابط خود با دیگر کشورها باید در چارچوب آن تعریف و تعقیب شود. براین اساس در سیاست خارجی باید در عین توجه و تمرکز بر آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی را نیز مدنظر قرار داد. به‌گونه‌ای که

منابع.....

- اجتهاد و نوآوری فکری از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مجموعه مقالات همایش)، ۱۳۹۰، ترجمه مهدی پورآذر و عباس علی نقره، بیروت، مؤسسه معارف الحکمیة.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، در: khamenei.ir
- بیلیس، جان و استیو اسمیت، ۱۳۸۳، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰، *راهبردهای سیاست خارجی برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری*، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- _____، ۱۳۹۲، *مجموعه بیانات درباره مهارت‌ها و فنون تحلیل سیاسی*، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دهشیری، محمدرضا، ۱۳۷۸، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی»، *سیاست خارجی*، سال سیزدهم، ش ۲، ص ۳۳۹-۳۵۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۹۲ الف، «توازن واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم»، در: hamshahrionline.ir
- _____، ۱۳۹۲ ب، «گفتمان سیاست خارجی: دولت آینده چیست؟»، در: irdiplomacy.ir
- ذوعلم، علی، ۱۳۸۵، «تجربه کارآمدی حکومت ولایتی»، در: siasiporsemani.ir
- رضائی، روح‌الله، ۱۳۸۰، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- سیف‌زاده، سیدحسین، ۱۳۷۴، *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، تهران، قومس.
- غضنفری، عزیز، ۱۳۸۶/۶/۱۸، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت نهم»، *روزنامه کیهان*، ش ۱۸۸۹۴.
- کاظمی، علی‌اصغر، ۱۳۷۶، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی»، *سیاست خارجی*، سال یازدهم، ش ۲، ص ۸۹-۱۰.
- متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی، ۱۳۸۹، *الگو و روند در سیاست خارجی ایران*، قم، دانشگاه مفید.
- مورگنتا، هانس. جی، ۱۳۷۴، *سیاست میان‌ملتها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، وزارت امور خارجه.
- مهاجرنیا، محسن، ۱۳۹۳، *فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یعقوبی، سعید، ۱۳۸۷، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.